

اندیشه اسلامی ۲

مولفان:

آیت الله جعفر سبحانی و دکتر محمد محمد رضایی

تدوین:

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی

بخش اول: پیشینه دین و پیامبری

تعریف دین:

دین در لغت

فرمانبرداری، خضوع، تسلیم، جزا

دین در اصطلاح

مجموعه عقاید، قوانین و مقرراتی است که خداوند متعال از طریق پیامبران برای هدایت و سعادت بشر نازل فرموده است

قرآن و تعریف دین

ان الدین عندالله الاسلام(آل عمران/۱۹)

قرآن، دین را تسلیم بودن در برابر خدای تعالی می داند و معتقد است هر کس جز دین اسلام خواستار دین دیگری گردد و پیروآن شود هرگز از وی پذیرفته نیست.

ابعاد و پیشینه دین

دین دارای ابعاد مختلفی نظیر؛ بعد شناختی، اخلاقی، فردی، اجتماعی، عبادی، حکومتی، اقتصادی، حقوقی، احساسی و روانی و ... است.

تاریخ دین حق (اسلام) هم زمان با پیدایش انسان بوده است. از این روی حضرت آدم (علیه اسلام) پیامبر الهی بود هر چند دین ایشان ساده بود.

فطری بودن دین

مجموعه اعتقادات و اعمال دین نظیر معرفت و گرایش به خدای تعالی، میل به کمال، حس کنجکاوی و حق طلبی با فطرت و نهاد آدمی سرشته شده و مطابق با ساختار وجودی انسان است.

فاقم وجهک لدین حنیفا

فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك دين القيمه و لكن
اکثر الناس لا يعلمون

مراتب دین

شریعت ها و مذاهب همچون یهودیت و مسیحیت در طول تاریخ، دارای حقیقت واحدی هستند و در اصول اساسی دین (توحید، نبوت، معاد) مشترکند؛ اختلاف آنها بر اساس درجات کمال است که در استعدادها، امت های گذشته و آینده ریشه دارد مثل اختلاف دانش آموزان در دوره های مختلف تحصیل و یا مراحل تدریجی درمان یک بیمار

لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَا مَائِدَه/۴۸

الف: تاریخچه ی دین یهود

ب) پیدایش صهیونیسم و تأسیس دولت اسرائیل

ج) : تاریخچه ی دین مسیحیت

عوامل زمینه ساز رویگردانی از دین مسیحیت در قرون وسطی توسط حاکمان مسیحی

- آموزه های غیر عقلانی مسیحیت مثل پیش فروش سند بهشت در قبال دریافت پول، معرفی ارباب کلیسا به عنوان خازنان بهشت
- ناسازگار نشان دادن آموزه آنها با دستاوردهای دانش بشری
- خشونت و تفتیش عقاید
- فساد مالی و اخلاقی حاکمان مسیحیت

تأثیر اسلام در
پیشرفت تمدن

الف) تشویق اسلام به فراگیری علم

ب) بسط عدالت

ج) مدارا و همزیستی مسالمت آمیز

بخش دوم: اهداف، ابعاد و قلمرو دین

ضرورت وحی و پیامبری

«نبوت» یکی از اصول اساسی دین مبین اسلام است. نبوت، باور بر این حقیقت است که خداوند حکیم انسان های والا و شایسته ای را برای هدایت انسان ها برانگیخته است تا برنامه های حیات بخش و دستوره های سعادت آفرین او را که از وحی الهی دریافت کرده اند، به آدمیان ابلاغ نمایند.

بنابراین عناصر محوری «نبوت» عبارتند از : ۱- وحی الهی ۲- پیام آور آن

سؤال:

آیا حس، عقل و دانش بشری نمی توانند راه سعادت انسان را تأمین نمایند بطوری که نیازمند به نبوت نباشد؟

۱- از آنجا که خداوند متعال حکیم است و کار بیهوده انجام نمی دهد، اقتضا می کند که زمینه نیل به کمال را نیز فراهم نماید.

۲- زندگی انسان، محدود به زندگی دنیایی نیست و هر عمل و تفکر انسانی در زندگی جاودانی آخرت اثرگذار است، بنابراین باید در مورد آنها و تأثیرشان شناخت کافی یافت که مهم ترین آنها شناخت خدای تعالی و آخرت است.

۳- این آگاهی شایسته، از عهده منابع شناخت آدمی خارج است.

**حس، عقل و دانش
بشری ابزار لازم جهت
سعادت بشر می باشند
ولی کافی نیستند:**

اهداف بعثت انبیا

۱- یادآوری فطریات: فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ

۲- آزاد کردن انسان از قید و بندهای نادرست:

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ

۳- دعوت به توحید: وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ

أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

۴- برپایی قسط و عدالت در جامعه بشری

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ
بِالْقِسْطِ

اهداف بعثت انبیا

۵- آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی و تزکیه و تطهیر آنان

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

٦-بشارت و انذار

رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ
الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

٧-علاج امراض روحى

٨-به كمال رساندن فضائل اخلاقى

إِنَّمَا بُعِثُوا لِتَتَمُّ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ

اهداف بعثت انبيا

«وحی» یکی از عناصر «نبوت» است.

تعریف لغوی
وحی

هر نوع ادراک و تفهیم سرّی را وحی گویند.



تعریف
اصطلاحی

آگاهی ویژه ای است که خداوند متعال آن را در اختیار پیامبران نهاده تا پیام ها و تعالیم خود را به انسان برساند. حقیقت این نوع وحی بر ما مجهول و یکی از مصادیق عالم غیب است که مومنان بدان ایمان دارند.



انواع وحی

۱- روح قوی پیامبر، حقایقی را در عالم رؤیا می بیند و فرمان الهی را دریافت می کند.

۲- آیات الهی به قلب پیامبران القا می گردد و روح والای آنان مرکز نزول وحی آسمانی می شود.

۳- خداوند متعال از طریق «ایجاد صوت در اشیا» با پیامبر خود سخن می گوید؛ همانگونه که به حضرت موسی (علیه السلام) در کوه طور وحی شد.

۴- وحی الهی توسط فرشته وحی نازل می گردد.

تفسیرهای ناروا از وحی

نقد

محدود کردن عالم هستی به عالم ماده، برخلاف تفسیر واقع گرایانه است. این نظر با سخنان پیامبران الهی ناسازگار است؛ زیرا آنان پیوسته اعلام می داشتند که آنچه می گویند، جز وحی الهی نیست و برای اثبات حقانیت سخنان خود به معجزه متوسل می شده اند.

دیدگاه اول

این دیدگاه - که هستی را مساوی با ماده می داند - پیامبران را از نوابغ دانسته و وحی را نیز محصول تفکرو آرای آنها پنداشته اند، بنابراین وحی نمی تواند منشأ الهی داشته باشد.

تفسیرهای ناروا از وحی

دیدگاه اول

برخی، وحی انبیا را از سنخ تجربه های عرفانی عارفان می انگارند.

نقد

وحی الهی انبیا به طور کامل با تجربه های عرفانی عرفا فرق می کند؛ چرا که ممکن است عارف دیگری همان حقایق را به گونه ای دیگر و حتی مخالف با یافته های عارف اول کشف نماید، در صورتی که در وحی چنین نیست.

انبیا برای اثبات حقانیت وحی و دستوره‌های الهی به معجزه متوسل می شوند

تعریف معجزه در لغت

«معجزه» از واژه عجز و به معنای ضعف و ناتوانی است.
معجزه اسم فاعل به معنای ناتوان کننده و به عجز درآورنده است.

تعریف معجزه در اصطلاح

عمل خارق العاده ای است که پیامبران برای اثبات نبوت خویش انجام می دهند؛ به گونه ای که مردم را از آوردن مثل یا مقابله با آن دعوت می کنند (تحدی) در حالی که عاجز و ناتوانند.

یکی دیگر از شرایط نبوت، عصمت انبیای الهی است.

تعریف لغوی عصمت

منع کردن، بازداشتن، مصونیت

تعریف اصطلاحی

مصونیتی خاص با ملکه ای نفسانی است که پیامبران را از ارتکاب گناه و خطا و اشتباه باز می دارد.

عصمت در دریافت، حفظ و ابلاغ وحی

عصمت از معصیت و گناه

عصمت از خطا و اشتباه در امور فردی و اجتماعی

اقسام عصمت انبیا

دلایل عصمت انبیا

۱- دلیل عقلی: علم و حکمت خدای تعالی اقتضا می کند تا انسانها به سعادت و کمال هدایت شوند و لازمه ی هدایت این است که وحی بدون نقص و کمو زیاد به پیامبران برسد.

عصمت در مقام دریافت، حفظ و ابلاغ وحی



۱- دلیل عقلی: اگر معصوم نباشند، مردم در تشخیص راه صحیح دچار اشتباه می شوند.

عصمت از معصیت و گناه



اگر معصوم نباشند موجب بی اعتمادی عموم مردم می شود.

عصمت از خطا و اشتباه در امور فردی و اجتماعی



۱- علم آنان نسبت به عظمت و جمال و جلال خداوند
متعال

۲- علم و آگاهی کامل آنها از نتایج ناگوارگناهان

۳- قدرت اختیار و اراده ی بالا

عصمت انبیا عامل و منشأ

سه عامل مذکور سبب «شایستگی ذاتی» آنان می شود که «مجاهدت های فردی و اجتماعی آنها» را به همراه دارد از سویی دیگر مشمول «عنایت ها و توجهات خداوند حکیم» می گردند که مسئولیت بیشتری برای آنان به ارمغان می آورد.

سؤال: آیا دین نقشی در زندگی دنیوی بشر دارد؟

از آنجا که خداوند متعال دین را برای سعادت دنیا و آخرت انسان نازل فرموده و سعادت اُخروی بازتاب زندگی سعادت‌مندانۀ انسان در دنیاست، معلوم می‌گردد دین نقش بسزایی در زندگی دنیا دارد:

جامعیت و کمال دین:

جامعیت و کمال دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی اقتضا دارد که به تمام ابعاد زندگی انسان توجه داشته باشد؛ مانند فردی و اجتماعی، جسمی و روحانی، دنیوی و اُخروی

دلیل



با توجه به مطالب گذشته معلوم می شود پندار کسانی که می گویند: دین برای سعادت اخروی نازل شد و تدبیر زندگی دنیوی مردم را به آنان وانهاده است، اشتباه است.

چنین نگرشی، نوعی تفکر سکولاریستی است که می کوشد بدون استعانت از دین به سازماندهی زندگی دنیوی انسان بپردازد.
این نگرش با روح تعالیم اسلامی ناسازگار است:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ حَدِيد/۲۵

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ بقره/۱۵۱

سکولاریسم و معنای آن

سکولاریسم واژه غربی است که توصیفگر نوعی تفکر خاص درباره جهان و انسان و تدبیر جامعه است و در شرایط خاص جامعه غربی رخ نموده است و به معنای دنیا مداری، دنیا محوری، دین گریزی و جدایی دین از سیاست است.

بریان ویلسون در *دائرة المعارف دین* چنین تعریف می کند: سکولاریسم یک ایدئولوژی است که مدافعان آن آگاهانه همه امور و مفاهیم ماورای طبیعی و وسایط و کارکردهای مربوط به آن را نفی می نمایند و اصول غیر دینی یا ضد دینی به عنوان مبنای اخلاق شخصی و سازمان اجتماعی دفاع می کنند.

زمینه ها و عوامل پیدایش سکولاریسم

۱- متون مقدس و منابع اولیه دینی:

الف: جدایی دین از سیاست؛

ب: نبود قوانین اجتماعی و حکومتی؛

ج: ناسازگاری آموزه های کلامی و فلسفی مسیحیت با عقل و علم تجربی

۲- رفتار و برخورد نادرست متولیان کلیسا:

الف: فساد اخلاقی

ب: برخورد های خشن با دانشمندان

گوهر مشترک دین و راز تعدد شریعت ها

گوهر و حقیقت مشترک تمام ادیان الهی، اسلام (تسلیم بودن در برابر خدای تعالی) است و در اصول دین (توحید، نبوت، معاد)، اصول اخلاقی و کلیات احکام فردی و اجتماعی مشترکند.

با وجود اشتراک ادیان در گوهر دین، به علت اختلاف استعداد و شرایط زندگی انسان ها، شریعت های گوناگونی در طول تاریخ به وجود آمد.

گوهر مشترک دین

راز تعدد شرایع

حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه

راز جاودانگی شریعت اسلام چیست؟

قوانین اسلام بر اساس ساختار وجودی و فطرت انسان وضع شده اند و چون این گوهر وجودی در طی قرون ثابت است، قوانین اسلام نیز ثابت و رمز جاودانگی آن نیز همین است.

سؤال: با توجه به این که جامعه انسانی در حال گسترش و انسان با مسایل جدید روبرو می گردد، چگونه می توان به پاسخ آنها دست یافت؟

۱- با توجه به غنی و گسترش منابع اسلامی، حکم هر مسئله ای را می توان تعیین نمود؛ مثل اصول اساسی ریاضی که با آن می توان هر مسئله ای را حل کرد.

۲- علاوه بر اصول اساسی، عالمان اسلام با استفاده از ابزارهایی، توان استخراج حکم هر مسئله ای را دارند؛ مثل:

الف: حجیت و حکم عقل؛

ج: گشودن بودن باب اجتهاد؛

ب: قاعده اهم و مهم؛

د: پیروی از قواعد حاکمه فقهی.

کثرت گزایی دینی و گوهر مشترک

آیا تمام شریعت ها از حقانیت برخوردارند و عمل بدانها موجب رستگاری است؟

۱- حقانیت و نجات بخشی مطلق یک دین (انصار طلبی)

۲- کثرت گزایی

دیدگاه ها

۳- شمول گزایی

رابطه علم و دین

پس از رنسانس و بر خورد نادرست کلیسا با دانشمندان، رابطه علوم تجربی با دین مورد توجه بیشتری قرار گرفت و سؤال های متعددی مطرح شد:

آیا یافته های علمی (علوم تجربی) با دین سازگار است یا ناسازگار و در صورت ناسازگاری، ترجیح با کدام است؟

آیا مشاهده و آزمایش (روش علوم تجربی) را می توان در مورد امور ماورای طبیعی به کار گرفت و به اظهار نظر در این قلمرو پرداخت؟ دیدگاه اسلام درباره علوم تجربی چیست؟

ویژگی های علوم تجربی

۱- روش آن مشاهده و آزمایش است و قلمرو فعالیتش در امور مادی می باشد؛ بنابراین در امور ماورا طبیعی و غیر تجربی نمی تواند به فعالیت و اظهار نظر بپردازد.

۲- مفاهیم و قوانین علوم تجربی، باز نمود جهان عینی اند.

۳- در قلمرو علوم تجربی، صحت هیچ نظریه ای را نمی توان اثبات کرد و فقط می توان گفت توافق بیشتر یا بهتری با معلومات موجود دارد و در حال حاضر جامع تر است؛ چرا که ممکن است نظریه دیگری در آینده با معیار های علمی موافق یا موافق تر باشد.

دیدگاه اسلام درباره علوم تجربی

امام کاظم(ع): خداوند بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار (ظاهری) و حجت باطنی؛ رسولان، انبیا و امامان حجت آشکارند و عقل های مردم حجت باطنی.

اسلام بر تفکر و استفاده از عقل تأکید فراوان نمود، یکی از حوزه های فعالیت عقل، علوم تجربی است که با روش مشاهده و آزمایش به کشف اسرار و قوانین طبیعت می پردازد؛ از این روی اگر عقل و علم تجربی دارای نتیجه قطعی و یقینی باشد قابل اعتنا و پیروی است.

و نیز مراد از علم در روایت پیامبر اسلام (ص) که فرمود: «علم را طلب کنید، هر چند که در چین باشد» علوم تجربی بود نه علوم دینی؛ چرا که مرکز یاد گیری علوم دینی در مکه و مدینه بود.

انواع رابطه علم و دین

۱- علم دین، دو شیوه بیان یک واقعیت

۲- علم، تأیید کننده دین

۳- علم و دین، مکمل یکدیگر

۴- ناسازگاری علم و دین

۵- جدایی کامل حوزه علم از دین

بخش سوم

تعریف اسلام

در لغت

تسلیم شدن و گردن نهادن در برابر احکام الهی

در اصطلاح

آخرین و کامل ترین شریعتی که خداوند متعال برای هدایت همه انسان ها تا ابد، نازل فرموده است. قوانین چنین آیینی، مطابق فطرت و عقل آدمی و نیز پاسخگوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی انسان است.

١- قرآن

٢- سنّ

٣- عقل

منابع اسلام

منبع اول: قرآن

قرآن معجزه جاویدان پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) است که برای همیشه، کتاب هدایت انسان ها باقی خواهد ماند. خداوند متعال تبیین و تفسیر آن را بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سپس امامان معصوم (علیهم السلام) نهاده است و آنان پس بردوش عالمان و مفسران با تقوا قرار داده اند

دشمنان اسلام در طی پانزده قرن گذشته برای ضربه زدن از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و حتی پیامبر صلی الله علیه وآله را به سحر و جنون متهم نمودند، اما هرگز نتوانستند از پس مقابله با قرآن برآیند. امروز نیز که تهاجمات استکبار جهانی علیه اسلام و پیامبر شدت گرفته است، نتوانسته اند به تحدی آشکار قرآن پاسخ دهند که این بهترین دلیل برای اثبات اعجاز قرآن است.

ابعاد اعجاز قرآن

فصاحت: خداوند حکیم برای ابلاغ پیام خود، شیواترین و زیباترین الفاظ و جذاب ترین ترکیب را به کار گرفته است.

بلاغت: به گونه ای که به بهترین شیوه، معانی خود را به مخاطبان می رساند.

یک
فصاحت و بلاغت

ولیدبن مغیره معروف به ((ریحانه العرب)) از ادیبان، بلیغام و حکیمان عرب پس از شنیدن آیاتی از قرآن چنین داوری می کند:

من از محمد سخنی شنیدم که نه به سخن انسان ها شبیه است و نه به سخنان جنیان. سخن او شیرینی خاص و زیبایی مخصوصی دارد و ساختار آن پر بار و ریشه آن پر برکت است؛ سخنی است والا که هیچ سخنی والاتر از آن نیست و هرگز قابل رقابت نمی باشد.

ابعاد اعجاز قرآن

قرآن دارای ژرف ترین معارف و علوم، عادلانه ترین قوانین حقوقی و جزایی، بهترین قوانین فردی و اجتماعی، حکیمانه ترین مناسک عبادی، ارزشمندترین دستورها و مواعظ و اندرزهای اخلاقی، متقن ترین نکات تاریخی و کارآمدترین شیوه های تربیتی است؛ تا آنجا که هر چه علوم بشری پیشرفت می کند، حقانیت و اسرار این معارف بیشتر جلوه گر می گردد.

دو:
اعجاز قرآن از نظر
معارف الهی

مطالب فوق آنگاه بیشتر جلوه می کند که بدانیم پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) درس نخوانده بود.

ابعاد اعجاز قرآن

سه:

اعجاز قرآن از نظر هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا

هماهنگی و عدم اختلاف در سبک بیان و محتوای مطالب قرآن دلیل بر آن است که از طریق وحی الهی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نازل شده است، در غیر این صورت چنین هماهنگی وجود نداشت؛ چرا از یک سو معلومات انسان در طول ۲۳ سال کامل تر می گردد و از سوی دیگر حالات درونی در سبک بیان و محتوا تأثیر گذار است.

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

نساء/۸۲

ابعاد اعجاز قرآن

چهار:

اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش

قرآن در آیات متعددی از اسرار قوانین طبیعت و اجرام آسمانی پرده بر می دارد. کشف این اسرار برای فردی درس ناخوانده جز از طریق وحی الهی امکان پذیر نیست. لازم به ذکر است قرآن به دلیل جنبه تربیتی، اخلاقی و خداشناسی به ذکر برخی از اسرار طبیعت پرداخته است نه این که کتاب علمی بوده و در صدد بیان قوانین علمی باشد. در ادامه به بعضی از آنها اشاره می شود:

اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش

حرکت زمین

در عصر نزول قرآن، نظریه حاکم بر جامعه علمی، نظریه زمین مرکزی بود، اما قرآن به شیوه ای لطیف و زیبا به حرکت زمین اشاره می کند که برخلاف آن نظریه است.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا؛ طه/۵۳

همان کسی که زمین را برایتان گهواره ای ساخت.

و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ؛ نمل/۸۸

و کوه ها را می بینی و پنداری که آنها بی حرکتند و حال آنکه ابر آسادر حرکتند در [این] صنع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است. در حقیقت، او به آنچه انجام می دهد آگاه است.

اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش

وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ؛ حجر/۲۲
و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان، آبی نازل کردیم، پس شما را بدان سیراب نمودیم، و شما خزانة دار آن نیستید

تلقیح نباتات
به وسیله باد

وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ ذاریات/۴۹
و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم، امید که شما عبرت گیرید.

زوجیت
عمومی

وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؛ رعد/۲
خدا [همان] کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت

جاذبه زمین

ابعاد اعجاز قرآن

۱- خبر از پیروزی رومیان پس از مدتی کوتاه

۲- پیروزی پیامبر بر مشرکان

۳- خبر بازگشت پیامبر به مکه

پنج:

اعجاز قرآن از نظر خبر های غیبی

مصونیت قرآن از تحریف

با توجه به ادله اعجاز قرآن کریم، مصونیت آن از گونه تحریف نیز اثبات می گردد؛ چراکه اگر فزونی و یا کاهشی در قرآن صورت گرفته باشد، از نظر سبک و محتوا معجزه نبوده و دیگران می توانند مانند آن را بیاورند.

۱- گواهی تاریخ مبنی بر اهتمام مسلمانان به آموزش، حفظ و نوشتن قرآن

۲- خداوند قادر خود حفظ و صیانت قرآن را برعهده گرفت:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ حجر/۹

۳- تشویق و ترغیب معصومین (علیهم السلام) به تدبیر و عمل به قرآن

برخی از دلایل
تحریف ناپذیری
قرآن

منبع دوم: سنت

سنت در لغت: روش و طریقه

فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا فاطر/۴۳
هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.

سنت در اصطلاح: تمام گفتارها، کردارها و تقریرهای معصومان را سنت گویند

منبع سوم: عقل

منع و باز داشتن؛ به وسایلی چون افسار حیوان را عقل گویند؛ زیرا عامل بازدارندگی است، از این رو به قوه ای که انسان را از بیراهه باز می دارد، عقل می گویند.

عقل در لغت

قوه ای در انسان است که به واسطه آن به تفکر و استدلال می پردازد، امور حق و باطل را از یکدیگر باز می شناسد و او را از سایر حیوانات متمایز می کند.

عقل در اصطلاح

اگر عقل اموری را که درک می کند در حوزه «هست ها» و «نیست ها» باشد و یا موضع کارکرد عقل، چیزهایی باشد که شایسته دانستن است «عقل نظری» و اگر چنانچه متعلق عقل، «خوبی ها» و «بدی ها»، «بایدها» و «نبایدها» و یا اموری باشد که شایسته انجام یا عدم انجام است، مانند خوبی عدالت و بدی ظلم، «عقل عملی» می گویند.

حجیت عقل

حجیت و اعتبار عقل نسبت به احکام بدیهی یا استدلال های برهانی، یقینی است، مثل محال بودن اجتماع نقیضین و ارتفاع آن، نیازمندی معلول به علت، ولی نسبت به احکام غیر بدیهی و یا استدلال های غیر یقینی ممکن است همراه با اشتباه باشد. برای این اساس احکام قطعی عقل-اعم از نظری و عملی-در حوزه خاص خود همانند احکام صریح قرآن دارای اعتبارند.

روایتی از امام صادق(علیه السلام) در مورد عقل

فَبِالْعَقْلِ عَرَفَ الْعِبَادُ خَالِقَهُمْ وَ أَنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ وَ أَنَّهُ الْمُدَبِّرُ لَهُمْ وَ أَنَّهُمُ الْمُدَبِّرُونَ وَ أَنَّهُ الْبَاقِي وَ هُمُ الْفَانُونَ وَ اسْتَدَلُّوا بِعُقُولِهِمْ عَلَى مَا رَأَوْا مِنْ خَلْقِهِ مِنْ سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ وَ شَمْسِهِ وَ قَمَرِهِ وَ لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ وَ بِأَنَّ لَهُ وَ لَهُمْ خَالِقًا وَ مُدَبِّرًا لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزُولُ وَ عَرَفُوا بِهِ الْحَسَنَ مِنَ الْقَبِيحِ

رابطه عقل و دین

دیدگاه اسلام، عقل و دین دو موهبت الهی است که خداوند به بشر ارزانی داشته و باهم آدمی را به سعادت جاودانه می‌رسانند، نه به تنهایی. عقل، دین را و دین نیز عقل را تأیید می‌کند.

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ يوسف/۲

□ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ انفال/۲۲

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) : مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ

خاتمیت

یکی از ضروریات دین اسلام، مسئله خاتمیت است. خاتمیت بدین معنا است که سلسله پیامبران الهی با پیامبر اسلام ختم می شود.

خاتمیت در قرآن

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا احزاب/۴۰

ابن فارس، از علمای بزرگ لغت در قرن چهارم می نویسد:
ختم، یک معنای اصلی بیشتر ندارد و آن رسیدن به پایان چیزی است و اینکه مهر زدن بر چیزی را نیز ختم می گویند، از همین باب است؛ زیرا همیشه بعد از پایان دادن چیزی بر آن مهر می نهند.

خاتمیت در روایات

□

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه «وَمَا كَانَ مُحَمَّدًا أَبَا أَحَدٍ...» می فرماید: **خَاتَمَ النَّبِيِّينَ**
يَعْنِي لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

توضیح: از آنجا که نبی عام تر از رسول است و هر کسی رسول است، نبی هم هست ولی هر نبی، رسول نیست؛ بنا براین ختم نبوت به معنای ختم رسالت نیز هست، از روی نمی توان گفت که قرآن و روایات ختم نبوت را اعلام کردند نه ختم رسالت را.

خاتمیت در روایات

□ يَا زَكَرِيَّا قَدْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه واله) وَلَا نُبُوَّةَ بَعْدَهُ وَهُوَ خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ

خداوند متعال

أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

پیامبر اکرم
صلی الله علیه واله

□ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه واله) لِإِنجَازِ عِدَّتِهِ وَإِتْمَامِ نُبُوَّتِهِ

امام علی
علیه السلام

روش فهم دین

قرآن به عنوان معجزه دین اسلام، نور آشکار، کتاب روشن، هدایتگر مردم و تبیین گر هر چیزی است. چنین اوصافی اقتضا می کند که قابل فهم باشد؛ زیرا در غیر این صورت خاصیت هدایت گری خود را از دست خواهد داد.

لازم به ذکر است در فهم صحیح قرآن، روش هایی وجود دارد که رعایت آنها ضروری است:

- ۱- آگاهی از قواعد زبان عربی
- ۲- آگاهی از معانی الفاظ قرآن
- ۳- تفسیر قرآن به قرآن
- ۴- مراجعه به احادیث صحیح
- ۵- توجه به شأن نزول آیات
- ۶- آگاهی از تاریخ محیط نزول قرآن
- ۷- شناخت آیات مکی و مدنی
- ۸- پرهیز از هر نوع پیش داوری

بخش چهارم

امامت و ولایت

معنای امامت و ولایت

ادله نصب و عصمت امامان

مهدویت

سر فصل ها

معنای امامت و ولایت

در لغت

امام یعنی پیشوا و رهبر از ریشه «أَمَّ» به معنای قصد کردن و توجه نمودن است؛ چرا که مردم با قصد و توجه خاص به سراغ امام می روند.

در اصطلاح

امام جانشین پیامبر نسبت به تمام امور دینی و دنیوی است و همه منصب ها و شئون پیامبری به جز نبوت را داراست. ویژه گی های امام:

۱- از جانب خدای تعالی نصب گردد؛

۲- دارای مقام عصمت باشد؛

۳- نسبت به همه امور دینی علم لدنی و گسترده داشته باشد.

علت نیاز به وجود امام علیه سلام

پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) سه وظیفه بر عهده داشت:

۱- دریافت و ابلاغ وحی الهی؛

۲- تبیین و تفسیر وحی الهی؛

۳- تشکیل حکومت و زمامداری جامعه اسلامی.

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله)، دوران وحی به سر آمد، اما دو وظیفه دیگر برای هدایت جامعه اسلامی ضروری است، از این روی خداوند متعال امامان معصوم (علیهم السلام) را نصب فرموده تا بتوانند مرجع و حافظ دین و نیز تدبیرکننده جامعه اسلامی باشند.

لزوم مرجعیت دینی امامان (علیهم السلام) دلایل

۱- مهیا نبودن شرایط پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) برای بیان تفصیل احکام الهی

۲- لزوم بازشناسی تفسیر صحیح از نا صحیح در مقابل فرقه های مختلف

۳- مبارزه با بازار جعل احادیث ساختگی

۴- شرایط و اوضاع زمان رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله)

دلایل نصب امامان معصوم (علیہم السلام)

الف: دلایل قرآنی

۱- آیه انذار:

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنْى بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ شعراء/ ۲۱۷-۲۱۴

۲- آیه ولایت

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ مائده/ ۵۵

۳- آیه تبلیغ

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ مائده/ ۶۷

دلایل نصب امامان معصوم (علیہم السلام)

ب: دلایل روایی

۱- حدیث منزلت:

أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنْ يَنْبَغِيَ لِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي

۲- حدیث سفینه:

إِلَّا إِنْ مَثَلَ أَهْلَ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ مَنِ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غُرِقَ

۳- امامان دوازده گانه:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً

عصمت امامان

یکی دیگر از ویژگی های امامان، عصمت یا مصونیت از خطا و گناه است؛ چرا که تمام منصب ها و شئون پیامبری به جز نبوت را دارا هستند، از این همان دلایلی که اقتضا می کرد انبیا از خطا و گناه مصون باشند، در مورد امامان نیز صادق است.

لازم به ذکر است عصمت مساوی با نبوت نیست و چه بسا افرادی که مقام عصمت را دارا هستند-مانند حضرت فاطمه(علیها السلام) و حضرت مریم(علیها السلام)- ولی پیامبر نیستند.

دلایل نصب امامان معصوم (علیهم السلام)

۱- خداوند متعال اطاعت مطلق از امامان را واجب شمرده و آنان را همسنگ با اطاعت خود و پیامبر دانسته است. بنابراین امر به اطاعت مطلق به معنای ضمانت عصمت است.

۲- آیه تطهیر:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب / ۳۳)

۳- حدیث ثقلین:

أَنْبِي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ

۴- حدیث سفینه

محبت اهل بیت (علیه السلام)

محبت به اهل بیت از ضروریات دین است. محبت به انسان با کمال و پر فضیلت، خود نردبان صعود به سوی کمال است؛ چرا که می کوشد رفتار و کردار خود را تطبیق دهد. بنابراین دوستی با اهل بیت، دوستی با خوبی ها، نیکی ها و پیروی از آنهاست.

چنین محبتی مورد تأکید قرآن و روایات می باشد:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ فِيهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ شوری/ ۲۳

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَكُونَ عِزَّتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِزَّتِهِ وَ يَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ

مهدویت

آخرین امام معصوم، حضرت مهدی امام زمان (علیه السلام) است که به اذن الهی در پس پرده غیبت به سر می برد.

بر اساس آموزه های اسلامی، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و مصلح جهانی، امری تردیدناپذیر است؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

لو لم یبق من الدنیا إلا یومٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذَکَ الیومِ حَتَّى یَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنْ وُلْدِی فِیْمَلَأُهَا عَدْلًا
وَقِسْطًا کَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا

سیمای جامعه انسانی در عصر ظهور امام زمان (علیه السلام)

- ۱- تکامل و اعتلای عقلانیت
- ۲- بسط کمال علم و معرفت و حکمت
- ۳- تحقق وحدت و صمیمیت
- ۴- توسعه دیانت و معنویت
- ۵- تکامل اخلاق
- ۶- زوال تبعیض و گسترش رفاه عمومی
- ۷- تحقق آزادی
- ۸- گسترش صلح جهانی
- ۹- تحقق عدالت فراگیر جهانی
- ۱۰- وفور نعمت و باروری و بازدهی منابع
- ۱۱- گسترش امنیت
- ۱۲- ارتقای سطح معیشت و ریشه کن شدن فقر
- ۱۳- توسعه آبادانی
- ۱۴- ارتقای صنعت و فن آوری
- ۱۵- صیانت و سلامت محیط زیست
- ۱۶- تحقق رضایت مندی مردم
- ۱۷- افول دولت های باطل

پایان

با آرزوی موفقیت برای همه دوستان